

Islamic Knowledge and Insight

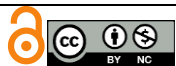
An Analysis of the Historical Event of the Fil Mosque in Mashhad in 1963 and Its Consequences

1. Seyedeh Ozra Hasheminejad: Department of History and Civilization of Islamic Nations, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran
2. Ardeshtir Asadbeigi*: Department of History and Civilization of Islamic Nations, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Email: 370476@iau.ir)

Abstract

The bloody event at the Fil Mosque in Mashhad, which occurred in October 1963—several months after the uprising of June 5 and as a protest against the repression of the clergy and the continuation of the Pahlavi regime's anti-religious policies—constitutes one of the significant episodes in the history of the Islamic Revolution of Iran, particularly in the struggles of the people of Mashhad. The present study, employing a descriptive-analytical method and relying on official SAVAK documents, provides a detailed examination of this historical event and analyzes its causes, processes, and consequences. The findings indicate that the Fil Mosque incident, along with its strategic outcomes, played a crucial role in the dynamism and continuity of the Islamic movement. Among its most important consequences were the prevention of the revolutionary movement's decline, the revitalization of the spirit of the June 5 uprising, the unprecedented intensification of the political activities of the militant clergy, and the strengthening of solidarity among religious scholars and jurists across Iran and in Najaf. Furthermore, this event consolidated the position of religion and clerical leadership within society and heightened the political consciousness of the people. The Pahlavi regime, which had previously sought to intimidate the populace through the arrest of Imam Khomeini, was compelled—after this incident and the widespread reactions of the clergy and citizens—to yield and release Hashemi-Nejad, whose execution had been demanded by the prosecutor, after three months of imprisonment. This event shattered the regime's illusory prestige and emboldened the people to engage in further criticism and protest. Most importantly, the incident transformed the aim of the movement from calls for reform to an explicit demand for the overthrow of the monarchical system, thus paving the way for the eventual victory of the Islamic Revolution.

Keywords: *Islamic Revolution, Fil Mosque, Hashemi-Nejad, SAVAK documents*



How to cite: Hasheminejad, S. O., & Asadbeigi, A. (2026). An Analysis of the Historical Event of the Fil Mosque in Mashhad in 1963 and Its Consequences. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(2), 1-15.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 May 2025

Revise Date: 05 October 2025

Accept Date: 12 October 2025

Initial Publish: 17 October 2025

Final Publish: 22 June 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

واکاوی واقعه تاریخی مسجد فیل مشهد در سال ۱۳۴۲ و پیامدهای آن

۱. سیده عذرا هاشمی نژاد: گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
۲. اردشیر اسد بیگی*: گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
(پست الکترونیک: 370476@iau.ir)

چکیده

واقعه خونین مسجد فیل مشهد، در مهرماه ۱۳۴۲، چندماه پس از قیام پانزده خرداد و در اعتراض به سرکوب روحانیت و ادامه سیاست‌های ضد دینی رژیم پهلوی، یکی از حوادث مهم تاریخ انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در مبارزات مردم مشهد محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد رسمی ساواک، به واکاوی دقیق این واقعه تاریخی و تبیین علل، چگونگی و پیامدهای آن پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد حادثه مسجد فیل همراه با پیامدها و دست آوردهای استراتژیک آن نقش مهمی در پویایی و روند نهضت اسلامی داشته است. از مهم‌ترین پیامدها می‌توان به جلوگیری از خاموش شدن جنبش انقلابی و زنده ماندن و پویا شدن روح قیام پانزده خرداد، افزایش بی‌سابقه فعالیت سیاسی روحانیت مبارز و تقویت همبستگی میان علما و مراجع تقلید در سراسر ایران و نجف اشاره کرد. همچنین، این واقعه جایگاه مذهب و رهبری روحانیت را در جامعه مستحکم‌تر ساخت و آگاهی سیاسی مردم را افزایش داد. رژیم پهلوی که پیش‌تر با دستگیری امام خمینی قصد ارباب مردم را داشت، پس از این حادثه و واکنش گسترده علما و مردم، مجبور به تسلیم شد و هاشمی‌نژاد را که دادستان خواستار اعدام وی بود، پس از سه ماه آزاد کرد. این اتفاق، ابهت پوشالی رژیم را شکست و جرأت مردم برای انتقاد و اعتراض را بیش از پیش تقویت نمود. مهم‌تر از همه، این واقعه باعث تغییر هدف مبارزات از درخواست اصلاحات به مطالبه صریح برای تغییر نظام سلطنتی گردید و راه را برای پیروزی نهایی انقلاب اسلامی هموار ساخت.

کلیدواژگان: *انقلاب اسلامی، مسجد فیل، هاشمی‌نژاد، اسناد ساواک*

شیوه استناددهی: هاشمی‌نژاد، سیده عذرا، و اسدبیگی، اردشیر. (۱۴۰۵). واکاوی واقعه تاریخی مسجد فیل مشهد در سال ۱۳۴۲ و پیامدهای آن. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۲)، ۱-۱۵.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۲۵ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

مقدمه

بیشتر مطالعات و پژوهش‌ها درباره حضور قشرهای مختلف مردم در انقلاب اسلامی به دهه پایانی عصر پهلوی دوم، به ویژه سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ محدود شده است. اطلاعات کمی و کیفی درباره چگونگی مشارکت طبقات مختلف مردم، براساس آمار و ارقامی است که از تظاهرات مردم و راهپیمایی‌ها بدست می‌آید، بنابراین می‌توان اذعان نمود که مبارزات مردم در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ که منجر به انقلاب اسلامی در ایران شد مغفول مانده است. از سوی دیگر به اسناد موجود در ساواک که جزو منابع اصلی و مستندات انقلاب اسلامی است، توجه لازم نشده است. بر این اساس واقعه مسجد فیل مشهد نیز که در ادامه قیام پانزده خرداد و زنده نگهداشتن آن بود نیاز به مطالعه و کنکاش از زوایای مختلف دارد تا بتوان پیوند این واقعه با سیاستها و هویت دینی انقلاب و شکل‌گیری حرکت‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی را نشان داد.

پیشینه

با مرور اجمالی در کتابها و مقالاتی که پیرامون وقایع گوناگون در روند پرحادثه انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده است، نه تنها نوشته مستقل و جامعی درباره واقعه مسجد فیل مشهد وجود ندارد؛ بلکه در عرصه مطالعات علمی و پژوهشی، تا کنون مطالعه در خور توجهی انجام نگرفته است. از این رو سعی شده است این واقعه مهم و اثر گذار با تکیه بر اسناد ساواک از مهمترین و معتبرترین اسناد موجود پیش از انقلاب، واکاوی و تبیین شود.

۱. اوضاع سیاسی مشهد در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

ایران در سالهای ۲-۱۳۴۱ شاهد حوادث و تحولات شگرفی بود. در پی تصویب لوایح ششگانه و انقلاب سفید رژیم پهلوی که با مخالفت مردم به ویژه روحانیون مواجه شد، حادثه اسفبار مدرسه فیضیه قم در دوم فروردین سال ۱۳۴۲ شش مصادف با ۲۵ شوال ۱۳۸۳ ق به وقوع پیوست و ده‌ها کشته و صدها زخمی به همراه داشت. حوزه‌های علمیه

سراسر کشور به اعتراض برخاسته و جلسات درس روحانیون و نیز بازارها تعطیل شدند.

امام خمینی با چندین سخنرانی آتشین مبارزه علیه رژیم پهلوی را علنی نمود. شاگردان و هم‌اندیشان امام نیز در سراسر کشور زبان به اعتراض گشوده و به بیداری و آگاهی مردم پرداختند.

با شروع ماه محرم ۱۳۴۲، استاندار مشهد به منظور جلوگیری از حرکت سیاسی عزاداران، از آیت‌الله میلانی خواست مانع اقدامات علیه حکومت پهلوی شود و از واعظان و هیئت‌های مذهبی نیز چنین التزامی را گرفت (Ministry of Information Center for

Historical Documents Review, 1999). همچنین آیت‌الله قمی را که پیش‌تر مخالفت خود را در مجالس مختلف به صورت علنی ابراز نموده بود، تهدید به دستگیری و تبعید کردند.

اما با قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری امام خمینی، این تذکر و تهدیدها مانع از اعتراض مردم مشهد به اقدامات حکومت پهلوی نشد. امامان جماعت مساجد تا ۱۷ تیر ۱۳۴۲ از برگزاری نماز جماعت خودداری کردند (همان، ج ۲، ص ۱۷۰) و برخی از علمای مشهد از جمله آیت‌الله محمدهادی میلانی، آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی، شیخ حسین مقدس و سیدعلی ابطحی دامغانی به نمایندگی از مردم مشهد در اعتراض به دستگیری امام خمینی، آیت‌الله قمی و برخی روحانیون دیگر به جمع علمای مهاجر در تهران پیوستند (Davani, 1981; Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 2007).

- دستگیری هاشمی نژاد همزمان با قیام پانزده خرداد

هاشمی نژاد از شاگردان و هم‌اندیشان امام و یکی از اضلاع مثلث مبارزاتی^۱ مشهد نیز هماهنگ با سایر علمای معترض ضمن سخنرانی در مدرسه مروی تهران، برخلاف تذکر ساواک به ایشان حادثه تلخ مدرسه فیضیه قم را محکوم کرد (Foulād-zādeh, 1990).

^۱. شهید استاد هاشمی نژاد به همراه مقام معظم رهبری و آیت‌الله واعظ طبسی در دوران انقلاب اضلاع مثلث مبارزه در مشهد را تشکیل می‌دادند.

وی در این سخنرانی پس از اشاره به این موضوع که قانون اساسی اروپا با دین حضرت عیسی (ع) تطبیق نمی‌کند، درباره لزوم دخالت روحانیت دین اسلام در قوانین مملکتی سخن گفت و تاکید کرد که در متمم قانون اساسی نیز علما و روحانیت در مجلس قانونگذاری باید قوانین را تصویب کنند.

پس اسلام و قرآن اصلاً از قانون مملکتی جدا نیست و روحانیت حق دارد مانع ستم و فساد و وطن فروشی شود و دست اجانب را از مملکت اسلامی و جعفری ایران کوتاه کند. اگر بزرگان و حتی زمامداران از راه خود منحرف شدند حق دارند جلوی آن‌ها را بگیرد سؤال کند که چرا مثلاً نفت ما را به دیگری می‌دهی؟ و امتیاز شیلات را به اجانب می‌دهی؟^۱ قانون اساسی این اجازه را به روحانیت داده و روحانیت تا فساد و بدبختی را ریشه کن نکند آسوده نخواهد نشست (گزارش مأمور تحقیق: منصور شهدادی، از سخنرانی مسجد مروی تهران، ۴۲/۳/۸).

هاشمی نژاد در ادامه بیان کرد که ما امنیت نداریم، نسبت به کار یهودیها و بهائیهها رسیدگی می‌شود ولی راجع به مدرسه فیضیه قم رسیدگی نمی‌کنند! مأموران دولت عده‌ای از طلاب را کشته و مضروب کرده‌اند ولی دستگاه دادگستری می‌گوید ما آن‌ها را نمی‌شناسیم! درست است زیرا مأمور خودشان هستند. چرا دولت نمی‌رود تا دولت دیگری که به درد مردم برسد جای او را بگیرد؟ دستگاه ظالم یزید هم زیاد خودمختاری کرد ولی یک روز سرنگون شد. چرا تیشه به ریشه اسلام می‌زنید؟ چرا مجله مذهبی قم^۲ را سانسور و تعطیل نموده اید؟ مارو حانیون از هیچ چیز نمی‌ترسیم و حاضریم در این راه جان خود را فدا کنیم" (گزارش مسجد مروی به ساواک تهران، سند شماره ۱۰۱۸۳، ۴۲/۳/۱۰) و در آخر گفت: خدایا دشمنان

اسلام را خوار و ذلیل کن! خدایا دشمنانی که نمی‌خواهند روحانیت را ببینند نابود کن! (گزارش سخنرانی مسجد مروی، سند شماره ۳۶۱ س ت ۲/۱۱-۴۲/۳)

مأموران ساواک براساس گزارش‌هایی که از سخنرانی هاشمی نژاد ارسال شد، ساعت ۲:۳۰ شب پانزده خرداد ۱۳۴۲ به منزلش یورش بردند. وی برای نخستین بار به همراه بسیاری از علمای مذهبی بازداشت و به مدت ۴۱ روز در قزل قلعه زندانی شد (بازجویی ۱۵ خرداد ۴۲، ضمیمه سند شماره ۳۱۳/۸۷۷۳ - ۴۲/۳/۱۵). در گزارش ساواک او به اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور و ایجاد بلوا و آشوب و تحریک مردم به جنگ و قتال متهم شده بود (سند شماره ۹۱۲۴۲۲-۴۲/۵/۲۹).

هاشمی نژاد در بازجویی با شجاعت اعلام کرد که انتقادات وی قانونی بوده و بسیار جای تأسف است که برای آن بازداشت شده است (بازجویی ۱۵ خرداد ۴۲، ضمیمه سند شماره ۳۱۳/۱۵۷۷۹-۴۲/۴/۲۴).

دفاع قانونی و محکم هاشمی نژاد از خود و از سوی دیگر اوضاع متشنج جامعه و اعتراضات مردم و علما باعث شد که وی پس از ۴۵ روز حبس با قرار التزام آزاد گردد.

قیام پانزده خرداد در آن روز و روزهای پس از آن در شهرهای ایران پایان‌پذیرفت. براساس اسناد موجود می‌توان گفت یکی از مهمترین وقایعی که آتش این قیام را مجدداً شعله ور ساخت، واقعه مسجد فیل مشهد بود که در شب بیست و سوم مهرماه ۱۳۴۲ تنها سه ماه پس از آزادی هاشمی نژاد از زندان اتفاق افتاد رخ داد و باعث بازداشت مجدد وی شد.

عده‌ای از صیادان شمال همراه زن و فرزندان خود به دریا می‌روند و تور می‌گسترانند گارد آنان را زیر آتش می‌گیرد و هزاران نفر از ایشان را هلاک می‌سازد. به دستور ساواک حتی بازماندگان آنان از عزاداری ممنوع گردیدند. (ر. ک. کوثر، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۷۱)

^۲. مجله مکتب تشیع

– سخنرانی‌های انتقادی هاشمی نژاد درباره مسائل سیاسی

و اجتماعی روز

هاشمی نژاد یک ماه پس از آزادی از زندان در اوایل مهر سال ۱۳۴۲ در سخنرانی به مناسبت ایام فاطمیه در منزل خود به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی روز پرداخت و در مجالس سخنرانی که اواخر همان ماه در منزل اخوان فاطمی واقع در محله عیدگاه مشهد برگزار شده بود همچنان از رژیم پهلوی انتقاد می‌کرد. بر اساس گزارش ساواک هاشمی نژاد هر شب ضمن تفسیر و توجیه یکی از قوانین اساسی ایران و تطبیق آن با قوانین اسلامی و قرآن از این که موادی از قوانین اجراء نمی‌شود به دستگاه‌های دولتی پرخاش می‌کرد (گزارش منزل اخوان فاطمی، شماره سند ۴۲/۷/۲۱-۲/۴۳۲۳).

وی در آخرین شب سخنرانی ضمن اعتراض شدید به مدیر "روزنامه نوای خراسان" که روز قبل مقاله‌ای درباره جدایی دین از سیاست منتشر کرده بود (روزنامه نوای خراسان، مورخه ۴۲/۷/۵، ص ۱)، گفت این نوشته کاملاً برخلاف قانون است و مدیر روزنامه هدفی جز خدمت به اربابانش و انحراف اذهان عمومی نداشته تا مردم همیشه در گمراهی بمانند و به امور اجتماعی خود توجهی نکنند.

سپس با ورود آیت‌الله میلانی به مجلس سخنرانی، هاشمی نژاد ادامه داد: مردم احتیاج به یک دست پر قدرت یعنی یک رهبر دارند و اگر علما در اعتراض به دستگیری امام خمینی و دیگر عالمان دینی به تهران نمی‌رفتند، شاید اکنون ایشان در میان ما نبودند. در پس پرده نقشه‌های بسیار شومی پی ریزی شده بود که بی اثر شد (گزارش منزل اخوان فاطمی، شماره سند ۴۲/۷/۲۱-۲/۴۳۲۳).

۲. واقعه مسجد فیل مشهد

مسجد فیل، از مساجد تاریخی واقع در پایین خیابان - خیابان شهید نواب صفوی کنونی - شهر مشهد است و حدود دویست تر با حرم امام رضا(ع) فاصله دارد. تاریخچه مسجد به درستی مشخص نیست چرا که تا قبل از واقعه سال ۱۳۴۲ اهمیت زیادی نداشت و از این رو

اطلاعات دقیقی در باره آن ثبت نشده است. بر اساس یک گزارش، مسجد فیل بیش از پانزده سال قدمت دارد و تاریخ ساخت آن ظاهراً به دوران قاجار بر می‌گردد. روبه‌روی مسجد فیل، کاروانسرای حاج احمد یزدیان قرار داشته که در گذشته کاروانسرای ازبک‌ها بوده است. گفته می‌شود که بر روی دیوار آن آثاری از تیراندازی سال ۱۳۴۲ وجود دارد (پیمایش میدانی، ماشاءالله عظیمی، از کاسبان قدیمی محله نواب صفوی، در مصاحبه با خبرگزاری بین‌المللی قرآن.ایکنا).

وجه نامگذاری «مسجد فیل» به درستی مشخص نیست. برخی گزارش‌ها دلیل آن را حضور یک فیل در این مکان در گذشته‌ای نامعلوم دانسته و برخی دیگر فیل‌بان بودن بانی مسجد را سبب نام‌گذاری ذکر کرده‌اند. طبق نقل قولی تا پیش از نوسازی مسجد، نقوشی از فیل روی سر در قدیمی مسجد وجود داشته است (Rahnama, 2012).

– خطابه آتشین هاشمی نژاد در مسجد فیل

در اواخر مهرماه ۱۳۴۲ هاشمی نژاد از سوی عده‌ای از افراد مذهبی فعال برای سه شب سخنرانی در مسجد فیل دعوت شد و همچون گذشته با انتقاد شدید از دولت به موضوعات زیر پرداخت:

أ. انتصابی بودن نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی از سوی دولت و غیر قانونی بودن آن‌ها.

ب. کشور ما به قوانین اروپا احتیاج ندارد چرا که قوانین اسلام و قرآن به گفته‌گفته شاعر آلمانی از بهترین و کامل ترین قوانین جهان است و به نظر برنارد شاو^۱ نویسنده معروف، قوانین اسلام بزودی در تمام اروپا جایگزین قوانین فعلی خواهد شد.

ج. کشف حجاب بر برخلاف اصل یکم قانون اساسی است که مذهب رسمی کشور را اسلام و مذهب جعفری اعلام کرده است و حجاب یکی از احکام ضروری قرآن و اسلام است. وجود برخی زنان با حجاب در تهران که تألیفات زیادی دارند نشان می‌دهد که حجاب

^۱ جورج برنارد شاو جورج برنارد شاو - ۲۶ ژوئیه ۱۸۵۶ - ۲ نوامبر ۱۹۵۰ در منطقه‌ای پایین دست در دوبلین به دنیا آمد. خانواده شاو اصالتاً انگلیسی و از اعضای

مانع فعالیت و ترقی زن نیست؛ اما با گذشت ۲۸ سال از کشف حجاب، زنان بی حجاب و عریان چه اختراع، اکتشاف و برجستگی علمی داشته اند؟

د. دولت تصویب قانون "انجمن‌های ایالتی و ولایتی" را به حکم علما و قانون اسلام لغو کرد اما چرا مجدد آن را اجرا کرد؟ قانون "اصلاحات ارضی" به حکم علما و قرآن غضب در مال مردم است. البته این اصلاحات بر اساس قوانین شرع مقدس و دادن وجوهات معین خمس و زکات از سوی مالکین بخودی خود عملی می‌گردد. (گزارش، مسجد فیل ۴۲/۷/۲۲، ضمیمه سند شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۱ -۴۲/۷/۲۳).

هاشمی نژاد در ادامه گفت من با حمایت امام زمان گفتنی‌ها را می‌گویم و خطاب به نخست وزیر وقت فریاد زد: علم! ^۱ خیال کردی تو سوار کار شدی؟ همین چند روزه حسابت روشن می‌شود. ای مردم اگر اندکی سستی بخرج دهید امام زمان از شما انتقام خواهد گرفت. از پای ننشینید و دست از مبارزه بر ندارید (صورت مجلس، مسجد فیل، سند بتاریخ ۴۲/۷/۲۲).

متمم اصل دوم قانون اساسی می‌گوید، اگر مراجع و فقها تشخیص دهند که مصوبه مجلس مخالف با قوانین اسلام است، از نظر قوانین کشور ارزش ندارد و بی اعتبار است. بنا براین ما حق داریم به هر قانونی که مخالف نظریه آقایان علماست سخت اعتراض کنیم. شما که می‌گویید در مملکت آزادی است! بنده هم که به استناد قانون اساسی دارم انتقاد می‌کنم که چرا قانون اساسی در مملکت اجرا نمی‌شود؟ آیا انتقاد قانونی جرم است؟

^۱ اسدالله علم نخست وزیر شاه در سال ۴۲

^۲ مجله مکتب تشیع از نخستین نشریه‌های حوزه علمیه قم است که از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۳ش به صورت فصل‌نامه و سال‌نامه منتشر شد. مؤسسان آن هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر، نعمت الله صالحی نجف آبادی و سید محمدباقر مهدوی بودند هدف آنان ارائه اسلام در قالب‌های نو توسط متفکران اسلامی بود تا در رقابت با اندیشه‌های مارکسیستی و ملی‌گرایانه از دیدگاه‌های اسلامی دفاع کنند. مؤسسان

بنده می‌گویم همان قانون اساسی که براساس آن رژیم این مملکت را به رسمیت می‌شناسیم، علما را فوق قوه مقننه قرار داده است. بر این اساس در اینجا من دولت را رسماً و قانوناً استیضاح می‌کنم.

ه. بازداشت مراجع عالیقدر عالم تشیع؛ امام خمینی (ره)، آیت الله قمی و دیگر علما پس از قیام پانزده خرداد و لزوم آزادی ایشان زیرا طبق اصل دهم و یازدهم متمم قانون اساسی احترام فقها و مراجع تقلید مساوی با بزرگترین شخصیت‌های کشور است (گزارش سخنرانی مسجد فیل ۴۲/۷/۲۱، ضمیمه اسناد شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۰ -۴۲/۷/۲۱).

و. ممنوع بودن انتشار مجله "مکتب تشیع" ^۲ و مقالات غیرسیاسی آن و لزوم آزادی نشر مجله برای بیان تعالیم دین..

ز. چرا دولت از آمریکا قرض می‌گیرد و اموال ایران را برای یهودی‌ها می‌فرستد که دنیا را از بین ببرند (گزارش، مسجد فیل شب ۲۲، ضمیمه سند شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۱ -۴۲/۷/۲۳).

- دستگیری هاشمی نژاد پس از سخنرانی شب دوم در مسجد فیل (۲۲/۷/۴۲) و پیامدهای آن

مدتی پیش از واقعه مسجد فیل، ساواک مشهد درباره سخنرانی‌های هاشمی نژاد حساس شده و در گزارشی به ساواک تهران می‌خواهد که پیرو مذاکره و توافق با استاندار خراسان برای بازداشت چهار تن از واعظان از جمله هاشمی نژاد، تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. مأموران ویژه لشگری نیز براساس گزارش شبهای پیش درباره سخنان هاشمی نژاد و همچنین پیش بینی اجتماع عظیم مردم در مسجد فیل، برای جلوگیری از تحریک مردم خواهان تصویب دستگیری و یا ممنوعیت سخنرانی ایشان شدند. (گزارش سخنرانی مسجد فیل، سند شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۰ -۴۲/۷/۲۱).

همچنین می‌خواستند این مجله را به پایگاه مطبوعاتی امام خمینی تبدیل کنند. اولین شماره آن در ۱۵۰۰۰ نسخه منتشر شد. به دنبال تحولات سال ۱۳۴۲ش از جمله واقعه پانزده خرداد و دستگیری برخی از اعضا، نشریه توقیف شد (Karbāschi, 1992).

با صدور دستور بازداشت هاشمی نژاد از سوی ساواک مرکز (دستور بازداشت، سند شماره ۲/۴۳۲۳-۴۲/۷/۲۱) بر اساس یک گزارش، مأموران شهربانی بعد از ظهر روز ۲۲ مهرماه (روزشادته) برای جلب هاشمی نژاد به منزلش مراجعه می‌کنند؛ اما ایشان از رفتن به شهربانی استکفاف کرده و اظهار می‌کند که با رییس شهربانی کاری نداشته و اگر لازم است او به دیدن من بیاید (گزارش مسجد فیل، ضمیمه سند شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۱-۴۲/۷/۲۳).

لیک با توجه به چگونگی واقعه مسجد فیل به نظر می‌رسد ساواک برای ارباب هرچه بیشتر مردم تصمیم داشت وی را در برابر چشمان مردم و در یکی از مجالس مهم شهر بازداشت کند.

مردم با حضور مأموران شهربانی به اتفاق رییس کلانتری مربوطه و رییس اطلاعات شهربانی در جلوی مسجد فیل برای دستگیری هاشمی نژاد، به قصد آنان پی بردند. در پایان سخنرانی گروهی از مردم خواستند وی را با لباس مبدل فراری دهند که البته ایشان نپذیرفت. از این رو چراغ‌های مسجد را چندین بار خاموش می‌کنند که هم مردم متفرق شوند و هم هاشمی نژاد در تاریکی فرار کند؛ اما ایشان فرار را نیز نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند که آماده است داوطلبانه خود را به شهربانی معرفی کند.

در یک گزارش دیگر، هاشمی نژاد در پایان سخنرانی با اطلاع از حضور ساواک در مسجد، بانگ می‌زند: اگر بنای سرکوبی و ایجاد ترس و به رخ مردم کشیدن قانون جنگل را ندارید، می‌توانستید در منزل یا پیش از منبر احضارم کنید (Habibian Foundation).

براساس اسناد موجود، هاشمی نژاد از مردم خواست با حفظ نظم و آرامش متفرق شوند. حتی به شکل خصوصی چند تن از مأموران را طلبیده و از آن‌ها می‌خواهد که برای جلوگیری از هرگونه حادثه احتمالی یکی از سه پیشنهاد وی را بپذیرند:

یک. اجازه دهید مانند هر شب رهسپار منزل شوم و چند نفر از مأموران شما مرا تعقیب کنند سپس با متفرق شدن مردم در اختیار شما خواهم بود.

دو. دستور دهید مأموران بیرون مسجد بروند و شما با چند نفر دیگر از مأموران در مسجد بمانید. مردم با مشاهده رفتن مأموران متفرق خواهند شد پس از آن می‌توانید مرا بازداشت کنید.

سه. برای بازداشت من صبر کنید تا وقتی که مردم کاملاً متفرق شوند. مأموران گرچه پیشنهاد سوم را پذیرفتند اما به گمان این که همه مردم متفرق شده‌اند در بازداشت هاشمی نژاد، عجله کردند (Ministry of Information Center for Historical Documents, Review, 1998).

شمس آراء - رئیس اطلاعات - او را دست بسته به همراه سرپاسبان یکم ارفع نیا از مسجد خارج کرده تا سوار اتومبیل شوند. مردمی که شاهد صحنه بودند از دو سوی خیابان و حتی پشت بامها با سنگ و پاره آجر به اتومبیل و مأموران حمله می‌کنند و پس از سوار کردن هاشمی نژاد، دو چرخه‌های خود را جلوی اتومبیل ریختند تا مانع حرکت آن شوند. چند نفر از مردم هم جلو و عقب اتومبیل در وسط خیابان دراز کشیدند. جمعیت تلاش می‌کرد که هاشمی نژاد را فراری دهد و این گونه درگیری آغاز شد و پلیس اقدام به تیراندازی هوایی کرد. به دنبال درگیری و زخمی شدن چندین نفر و نیز شنیده شدن صدای شلیک تیرهای هوایی عده دیگری از مردم به جمعیت پیوستند و سراسر پایین خیابان میدان درگیری شد. مردم با نبود نیروی نظامی جسورانه در برابر پلیس مقاومت می‌کردند (همان، ص ۷۰). با این همه و پرتاب سنگ و پاره آجر از سوی مردم و تیراندازی پلیس، اتومبیل حرکت می‌کن (بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۷۸۲، اسناد ش. ۷۰ و ۷۱ و ۷۲) و هاشمی نژاد به کلانتری بخش ۶ و سپس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان منتقل می‌شود. (سند شماره ۸۰۱۲/م الف ۱۱-۴۲/۷/۲۵)

- کشته و زخمی شدن و دستگیری جمعی از مردم در درگیری با مأموران ساواک

درباره تعداد کشته و زخمی شدگان واقعه مسجد فیل گزارش‌های متفاوتی وجود دارد. بعضی از منابع به طور مبهم نقل کرده‌اند که در این حادثه چندین نفر کشته و زخمی شده‌اند. در گزارش ساواک

خراسان که به فرماندهی لشکر ۶ ارسال شده است و در صحت و سقم آن تردید است، تعداد شهدا دو نفر به نام‌های مهدی یوسفی و حسین پور کفاش و تعداد مجروحین پنج نفر ذکر شده است (گزارش کشته وزخمی شدگان، سند شماره ۶۱۷۸-۴۲/۷/۲۳).

بر اساس اسناد موجود ساواک سید احمد مزاری مقدم (منشی دفتر ثبت و احوال)؛ صفر رنجبر (شاگرد کفاش)؛ رضا صائبی (فرش فروش)؛ ماشاءاله عابدی (ژاکت فروش) و حسین پور احمدی (کفاش) از مصدومان شب حادثه هستند (Ministry of Information Center for Historical Documents (Review, 1998; Rouhani).

در سندی دیگر تعداد مصدومین بستری در بیمارستان «دویست تخت‌خوابی» هفت نفر اعلام شده و در ادامه به وخامت حال سه نفر اشاره شده است که یکی از آن‌ها به نام مهدی یوسفی شهید می‌شود (سند شماره ۷۷۷۴-۴۲/۷/۲۳؛ حسن شمس آبادی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱).

ساواک اعلام می‌کند که تعداد کشته شدگان دو نفر بوده و تدفین پیکر آن‌ها مخفیانه خواهد بود؛ اما خانواده شهدا با تعقیب شبانه مأموران، محل دفن یعنی قبرستان «گل‌شور» [قبرستان باغ رضوان] مشهد را شناسایی می‌کنند. با وجود این نتوانستند قبر شهدا را از یکدیگر تشخیص دهند و برای زنده نگه داشتن یاد شهیدان خود ناگزیر شدند روی سنگ قبرها نام «شهدا» را بنویسند. ساواک از نصب این سنگها نیز جلوگیری می‌کند؛ اما بعدها برای یادبود شهیدان این حادثه، مردم سنگ بزرگی را نصب می‌کنند که روی آن «شهدای مسجد فیل» حجاری شده بود (Hāshemīnejād, 1996).

در واقعه مسجد فیل، همچنین ساواک خراسان به پنج نفر مظنون شده و اقدام به دستگیری آن‌ها می‌کند. دادیار پس از بازجویی اولیه چنین نظر می‌دهد: با عنایت به اوراق ۱۲۲ تا ۱۳۰ که حاوی تحقیقات ساواک از نامبردگان می‌باشد و این که هیچ گونه دلیلی علیه متهمین، جز ردیف یک در پرونده منعکس نیست قرار معروض مبنی بر

مجرمیت متهم ردیف یک و منع پیگرد بقیه قابل موافقت به نظر می‌رسد. در صورت تصویب مقرر فرمایند:

- قطعیت قرار منع پیگرد صادره اعلام شود.

- درباره متهم ردیف یک پرونده به سیر قانونی خود ادامه دهد. (بازرسی متهمین مسجد فیل، سند شماره ۸۶۸/ب۱- ۴۷/۴/۸، بازگشت به سند ۱۸۵۶-۴۲/۷/۲۳).

۳. پیامدهای واقعه مسجد فیل

خبر حادثه مسجد فیل و بازداشت هاشمی‌نژاد و ممنوع‌الملاقات بودن وی به سرعت در کشور پخش شد و پیامدهای غیر قابل انتظار زیر را برای حکومت داشت:

- اعتراض علما، مراجع و مردم مشهد در واکنش به حادثه و دستگیری هاشمی‌نژاد

أ. علمای مشهد بعد از واقعه مسجد فیل با وجود مخالفت شهربانی، اعلام تعطیل عمومی کرده و با برگزاری مجالس ختم در منازل خویش، اعتراض خود را نشان دادند. افزون بر این ضمن با مذاکره با مقامات ارشد استان، تلگراف‌هایی برای سراسر کشور ارسال و نسبت به وقوع حادثه اظهار تأسف و ناراحتی کردند.

ب. بازتاب این رویداد در کشور بسیار گسترده بود و علمای قم و نجف با ارسال تلگراف‌هایی اقدامات رژیم در سرکوب مردم و دستگیری هاشمی‌نژاد را محکوم کردند:

- آیات عظام میلانی و مجتبی قزوینی با ارسال تلگرافی از توقیف هاشمی‌نژاد ابراز تأثر کرده و او را به پایداری تشویق نمودند (گزارش تلگراف علما، سند شماره ۷۸۶۹-۴۲/۷/۲۶).

آیت‌الله میلانی جهت دلجویی از هاشمی‌نژاد در ۲۵ مهر ۱۳۴۲ تلگرافی با مضمون زیر به زندان تیپ شانزده ارسال کردند:

«جناب عمادالافاضل رکن‌الاسلام آقای سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد دستگیر شدن جنابعالی و خطیب فاضل جناب آقای فصیحی موجب ناراحتی و تأثرات اسلامی است - الی الله المشتکی و الی ولیه المهدی ترفع الشکوی - تسلای آن جنابان به آن است که اقتدا به اولیاء نموده و به جرم عدالت خواهی گرفتار شده اید؛ "و لا یضیع اجر

المحسنین". محمد هادی الحسینی المیلانی (بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۹۸۱، سند شماره ۱۶).

از سوی عمادالاسلام بختیاری نیز در ۲۶ مهر ۱۳۴۲ تلگراف مشابهی به شرح زیر به زندان تیپ شانزده مخابره شد:

«حضرت مستطاب ثقه الاسلام دانشمند شهیر جناب آقای سید عبد الکریم هاشمی نژاد دامت برکاته -رونوشت واعظ محترم جناب آقای فصیحی دام عزه- بازداشت جانگداز آن حضرت و جناب آقای فصیحی که در راه عدالت خواهی رخ داده موجب تأثر شدید عموم طبقات خاصه جامعه روحانیت گردیده و استخلاص عاجل جنابعالی و جناب آقای فصیحی آروزی نهائی ما و عموم طبقات است» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۷۸).

- آیت الله سیدابوالقاسم خویی از مراجع نجف هم با ارسال تلگرافی به آیت الله میلانی ضمن اظهار تأسف از بازداشت تعدادی از علمای آذربایجان، از دستگیری هاشمی نژاد اظهار نگرانی کرده و از وی [آیت الله میلانی] خواست تا تمام تلاش خود را برای آزادی سریع تر ایشان به عمل آورد:

«... حضرت آیت الله آقای میلانی دامت برکاته. خبر گرفتاری و حبس و زجر عده ای از حجج اسلام و وعاظ محترم آذربایجان اخیراً اضافه بر اخبار سابقه از حبس علماء اعلام و دانشمندان و متدینین محترم و آقای هاشمی نژاد موجب تأسف عمیق گردید. ما با استنکار این اعمال خلاف دین و عدالت از حضرتعالی انتظار داریم برای استخلاص این ذوات مقدسه که گناهی جز دعوت به حق ندارند اقدام لازم نموده و نتیجه را اعلام فرمایید» (Jalali, 2000).

ج. احزاب و گروه های مذهبی مانند حزب ملی، بازاریان و نیز جمعیت های مذهبی زیادی همچون نیکوکاران اسلامی، کانون نشر حقایق، انجمن تبلیغات اسلامی و انجمن دانشجویان به جریان اعتراضات پیوستند.

د. توده مردم نیز به شکل خود جوش گروه گروه با تهیه طومارهایی به شرح حادثه پرداخته و به بی گناهی هاشمی نژاد گواهی

می دادند (یاران امام به روایت اسناد ساواک، تهران ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۳-۷۴).

از سوی دیگر با انتشار اعلامیه با بازماندگان حادثه همدردی کرده و برای زنده نگهداشتن یاد هاشمی نژاد با توزیع عکس وی مردم را به خریدن و مطالعه کتاب های وی تشویق می کردند (Jalali, 2000). همچنین با برپایی مجالس هفتم و چهلم شهدای مسجد فیل تلاش می کردند این واقعه را زنده نگهدارند (Jalali, 2000).

- محاکمه هاشمی نژاد و حکم دادگاه

روند بازجویی و محاکمه هاشمی نژاد توسط بازجو دبیری آغاز می شود. مطالعه بخشی از سوالات بازجو و دفاعیات هاشمی نژاد از خود به روشن شدن بیشتر ابعاد این واقعه کمک می کند: س. چه کسی به شما گفته است در روی منبر مردم را بر علیه مقامات عالیه دولت تحریک کنید؟

ج. موضوع تحریک بر علیه مقامات دولتی را جداً تکذیب می کنم و بسیار متأسفم که انتقادات قانونی به تحریک علیه دولت تعبیر گردد و اما علت آن که بنده انتقادات قانونی می نمودم این است که به استناد گفتار صریح شخص اول مملکت... انتقاد قانونی از عملکرد دولت لازمه یک کشور دموکراسی و آزاد است. چنان که در تمام کشورهای آزاد جهان معمول است. این انتقادات هم فقط بخاطر یک وظیفه وجدانی بوده است.

اما موضوع تحریک مردم، بنده به همین مقدار گفتم که شما می توانید حق قانونی خود را از دولت بخواهید چنانکه این روش در تمام کشورهای آزاد معمول است و اضافه کردم که به حکم قطعی و وظیفه مذهبی از هر گونه شورش و تظاهر و بلوا باید خودداری نمائید. زیرا با بلوا و آشوب جان و مال مسلمانان در معرض خطر قرار می گیرد و این از گناهان کبیره در اسلام است و قرآن می فرماید: "ان الله لا يحب الفساد" روی همین اصل بنده نه تنها در اینجا بلکه ایام محرم در تهران نیز همواره مردم را به نظم و آرامش دعوت می کردم. و اما این اتهام که بنده گفته ام جور و فساد دستگاه حاکمه به نهایت رسیده است را جدا تکذیب می نمایم. اشتباه در گزارش از این جا

ناشی شده که بنده درباره ظهور ولی عصر (علیه السلام) گفتم بنا به نقل روایات زیاد، روزی است که ظلم و جور سراسر عالم را فرا گرفته باشد و اصلاً موضوع صحبت بنده وضع ایران و مردم ایران نبوده است چه رسد به حکومت ایران، بلکه بحث بنده درباره فرا گرفتن ظلم و فساد در سراسر عالم بوده است.

درباره غیر قانونی دانستن انتخابات، گزارش را به این صورت تکذیب می‌کنم. بلکه سخن این جانب این گونه بود که چون در این انتخابات زنان هم شرکت داشتند و شرکت زنان مستند به تصویب نامه اخیر دولت و نه قانون مجلس بود و بر اساس اصل بیست و هفتم متمم قانونی اساسی، تصویب نامه هم خود به تنهایی جنبه قانونیت ندارد، ما راجع به شرکت زنان در انتخابات این انتقاد قانونی را داریم. این سخن بنده عیناً مانند همان نامه‌ای است که دیوان عالی کشور در چندی قبل در پاسخ آقای وزیر دادگستری نوشته‌اند و در آخر آن نزدیک باین مضمون اضافه کرده که "تنها قانونی قابل اجرا است که به تصویب مجلسین و توشیح اعلی حضرت همایونی برسد" و بسیار متأسفم که بنده عین گفته دیوان عالی کشور را که بزرگترین مرجع قضائی است بگویم و این گفته هم طبق اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مملکت باشد و در عین حال این موضوع را برای بنده جرم بشمارند (سندبازجویی مسجد فیل، به تاریخ ۴۲/۷/۲۳ ضمیمه سند شماره ۸۶۸، ب ۱- ۴۷/۴/۸).

گرچه دادستان برای هاشمی نژاد تقاضای اعدام کرده بود؛ اما دادگاه با توجه به دفاع قانونی و محکم ایشان از خود و نیز واکنشها و عوامل دیگر مانند: تلگراف آیت‌الله میلانی، پی‌گیری‌های زیاد مراجع و حوزه‌های علمیه ایران و نجف، گزارش‌های متعدد مردمی مبنی بر بی‌گناهی وی و اثبات مجرمیت مأموران در کشته و زخمی شدن مردم، بر اساس رأی زیر او را به دو ماه زندان قابل خرید محکوم نمود:

در مورد متهم ردیف یکم: سید عبد‌الکریم هاشمی نژاد.

چون مشارالیه در داخل مسجد مردم را علیه مأموران تحریک ننموده و با توجه به اظهارات غلامرضا شمس آراء، کارمند آگاهی مشهد، که آقای هاشمی نژاد به وسیله شخصی ناشناس به او اطلاع داده که

حاضر است پس از خلوت شدن مسجد به اتفاق مأموران به کلانتری برود و پس از این که اطراف مسجد خلوت شده به تفاق ایشان از مسجد خارج و سوار ماشین پلیس شده‌اند و مردم از اطراف به جلو ماشین ریختند تا ممانعت کنند (همان، برگ‌های ۸۲-۸۴)؛ لذا جریان قتلی که اتفاق افتاده از ناحیه متهم منظور نبوده و خود مردم این صحنه را بوجود آورده‌اند. لیکن با توجه به اظهارات متهم روی منبر که خلاف مصالح مملکتی بوده (همان، برگ ۱-۱۱) جرمش محرز و به مجرمیت متهم یاد شده عقیده دارد و عمل او منطبق است با قسمت اخیر ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی. محل و تاریخ وقوع بزه: شب ۴۲/۷/۲۳ مسجد فیل مشهد (گزارش قرار منع پیگرد، سند شماره ۸۶۸/ب ۱- ۴۷/۴/۸ بازگشت به ۱۸۵۶-۴۲/۷/۲۳).

پس از آن که دادگاه هاشمی نژاد را به دوماه حبس قابل خرید محکوم نمود، دادستان تقاضای دادگاه تجدید نظر داد (دادگاه تجدید نظر، سند ماره ۳۸۷۹-۹۳/۴/۴-۴۸/۴/۴)؛ اما هاشمی نژاد پس از رفع اتهام در دادگاه تجدید سرانجام پس از سه ماه در ۲۴ دی ۱۳۴۲ به قید کفیل از زندان آزاد شد (گزارش آزادی، سند شماره ۵۶۷۰-۹/۵۶۷۰-۴۲/۱۰/۲۹).

- اذعان ساواک به بی‌تدبیری شهربانی و مأموران در وقوع حادثه

ساواک بر اساس گزارش‌های تهیه شده از مأموران و مردم حاضر در صحنه و نیز نامه‌های متعددی که از سوی علما و گروه‌های مردمی در حمایت از هاشمی نژاد نوشته شده بود، به بی‌تدبیری مأموران در دستگیری هاشمی نژاد و بی‌گناهی وی در پیامدهای آن اذعان نمود. در یکی از اسناد موجود در ساواک چنین آمده است:

أ. آیت‌الله میلانی پس از مراجعت به مشهد به مریدان خود و همچنین به وعاظ توصیه می‌نماید مبارزه منفی را ادامه و با گفتن حقایق مردم را متشکل نمایند.... با تمام این مطالب، اوضاع تا وقوع حادثه بسیار آرام بوده و حوادثی پیش‌بینی نمی‌شد. تنها غفلت مأموران انتظامی و بی‌تدبیری آنان درباره دستگیری یک سخنران [هاشمی نژاد] به وقوع چنین حادثه‌ای منجر شد.

- پیوند مهم‌ترین حادثه سیاسی مشهد با قیام پانزده خرداد

سال ۱۳۴۲

پس از قیام پانزده خرداد و بازداشت امام خمینی (ره)، آیت‌الله قمی و دیگر علما، رژیم پهلوی به گمان خود توانسته بود قدرت نمایی کرده و با ارباب مردم بی‌دفاع آن‌ها را تا اندازه‌ای از صحنه خارج کند؛ اما پس از واقعه مسجد فیل که ساواک بعدها آن را فاجعه می‌خواند، با حضور بیش از پیش روحانیت و مردم با عزمی راسخ‌تر در صحنه مواجه می‌شود. کشته و مجروح شدن عده‌ای و دستگیری تعدادی دیگر از مردم در این حادثه، داغ کشته‌شدگان قیام پانزده خرداد را تازه می‌کند و انقلاب دوباره جان می‌گیرد.

- افزایش فعالیت سیاسی روحانیون در سایه اتحاد علما در

تهران و مشهد

با وجود جریان قدرت‌مند که آشکارا به حمایت از سیاست‌های دربار می‌پرداخت، فعالان مذهبی در مشهد توانستند تأثیر خوبی بر روند مبارزات سیاسی مردم داشته باشند. این واقعه سبب شد بسیاری از علمای مشهد همچون آیت‌الله قمی و آیت‌الله میلانی، به یکدیگر نزدیک شده و هدف واحدی را دنبال نمایند. در اسناد ساواک نیز آمده است که آیت‌الله قزوینی اگر چه با آیت‌الله میلانی سر رقابت دارد؛ اما این روزها کوشیده است به وی نزدیک شود و از هاشمی نژاد حمایت کند. از این رو، واقعه مسجد فیل موجب شد روحانیون و حوزه‌های علمیه از یک سو و مردم با حمایت علما از سوی دیگر، به طور جدی‌تری وارد عرصه سیاسی شده و با ایفای نقش پررنگ‌تر در مبارزات، برای رسیدن به پیروزی انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری بردارند.

- تقویت جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه

در میان گروه‌های مبارز، تشکلهای دینی و ملی بسیاری بودند که تنها به صدور اعلامیه و سخنرانی‌های دو پهلوی و غیر صریح اکتفا می‌کردند؛ اما این علما و مراجع دینی و پیروان راستین خمینی بودند که با وجود اختناق شدید، به با تصریح به جنایات و اعمال ضد اسلامی رژیم سخت اعتراض می‌کردند. این موجب می‌شد که

ب. ساواک و شهربانی تا صدور نامه از لشکر، یا از جریان بی‌اطلاع بوده و یا در عکس العمل قصور نموده اند. نحوه عمل دستگیری نیز به حدی با بی‌تدبیری انجام یافته که اکثریت مردم حتی افراد عامی نیز انتقاد می‌نمایند. علت تیراندازی پاسبانان بیشتر معلول ترسی بود که از قتل دو نفر پاسبان در دهه اول محرم در آنان به وجود آمده و می‌توان حدس زد که حس انتقام جویی نیز در آنان تحریک شده بود.

همچنین جهت سرپوش گذاردن بر این حادثه طی ارسال نامه ای به مرکز پیشنهاد داده شد:

یک. به خانواده مقتولین و پنج مجروح این حادثه، صد هزار ریال کمک نقدی شود و البته این کمک‌ها تا حد ممکن باید مخفیانه صورت گیرد تا در افکار عمومی و روحیه مأمورین شهربانی اثر سوء نگذارد.

دو. ساواک خراسان مأمور شود که مجالس روضه خوانی را بیش از پیش تحت نظر قرار دهند و تا حد ممکن با کمک شهربانی از بنیان مجالس تعهد بگیرند که از واعظ بدون سابقه در مجالس استفاده نمایند.

سه. برای جلب نظر مردم، رئیس ساواک خراسان و رئیس شهربانی از مشهد احضار شوند تا مردم به خطا تصور نمایند رژیم با هرگونه خونریزی مخالف است و مسئولین مربوطه حتی مأمورین ساواک و شهربانی مجازات خواهند شد. البته جانشین آن‌ها با سیاست خشن تری با مردم برخورد کنند تا مردم قدر عافیت را بدانند.

چهار. به عنوان مجازات، هاشمی نژاد به سربازی اعزام شود تا بدین وسیله از فعالیت‌های وی نیز جلوگیری گردد (همان، ص ۵۱-۵۲؛ گزارش واقعه، ضمیمه سند شماره ۶۹۹۳/م الف ۱۱-۴۲/۷/۲۳).

۴. دست آوردهای سیاسی واقعه مسجد فیل و نقش آن در

روند انقلاب اسلامی

واقعه مسجد فیل در روند انقلاب اسلامی، نقش مؤثری داشت که این پیامدها از مهمترین آثار و ابعاد آن است:

دولت و محاکمه نخست وزیر (اسدالله علم) سخن گفته شد تا ماهیت رژیم برای مردم روشن شده و هدف مبارزه و انقلاب مردم از اصلاحات فراتر رفته و راه سرنگونی نظام شاهنشاهی هموار شود.

نتیجه گیری

واقعه مهم مسجد فیل مشهد که پس از سخنرانی انقلابی هاشمی نژاد در مهر ۱۳۴۲ و تنها چهار ماه پس از قیام پانزده خرداد رخ داد در اعتراض به دستگیری امام خمینی (ره) و علمای دینی و به دنبال تصویب لایحه «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «انقلاب سفید» و نیز مهاجرت جمع زیادی از علمای سراسر ایران به تهران بود. سخنرانی هاشمی نژاد در مسجد فیل و حوادث و پیامدهای آن همچنین بازتاب این حادثه در تهران و خارج از کشور و صدور تلگراف از سوی علما و مراجع به ویژه آیت الله خویی و آیت الله میلانی مبنی بر لزوم آزادی هاشمی نژاد را می‌توان نقطه عطفی دانست که نهضت و مبارزات مردم مشهد را وارد مرحله جدیدی کرد.

بازخوانی چگونگی رخداد واقعه مسجد فیل و پیامدهای بسیار مهم آن که براساس اسناد ساواک انجام شده است، نشان می‌دهد ماجرای مسجد فیل به عنوان یکی از وقایع مهم تأثیر گذار در تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

مطالعه اسناد پیرامون این واقعه، بیانگر فهرستی از پیامدها و دست آوردهای مهم است که بی تردید نقش مؤثری در روند نهضت اسلامی داشتند:

- پیوند واقعه مسجد فیل با قیام پانزده خرداد سبب شد که قیام و نهضت زنده و پویا بماند.

- پس از این واقعه و قیام پانزده خرداد فعالیت سیاسی روحانیت افزایش یافت و اتحاد علما و مراجع در حمایت از مبارزان انقلاب بیشتر و محکم تر شد.

- جایگاه مذهب و روحانیت مبارز در میان مردم تقویت شد و آگاهی سیاسی مردم با افشای جنایات و اعمال ضد اسلامی رژیم توسط روحانیون مبارز و شاگردان امام خمینی افزایش یافت.

جایگاه روحانیت در میان مردم روز به روز تقویت و مستحکم تر شود. صدور اطلاعیه‌های مردمی به مناسبت هفتم و چهارم کشته شدگان واقعه مسجد فیل و اعلام آمادگی برای مبارزه به رهبری روحانیت را می‌توان نمود روشنی از تقویت جایگاه مذهب و روحانیت در میان مردم دانست.

- افزایش آگاهی سیاسی مردم

روحانیون مبارز و شاگردان امام خمینی با وجود فشارها و اختناق شدید، برای ایجاد نگرش انقلابی در مردم و افشای جنایات و اعمال ضد اسلامی رژیم پهلوی با تمام نیرو کوشیده و در مناسبت‌های گوناگون درباره قانون‌شکنی‌ها و خیانت‌های شاه و دولت علم به کشور روشنگری می‌کردند و توده‌های مردم مسلمان را به ادامه نهضت و مبارزه و پایداری فرا می‌خواندند. هاشمی نژاد از شاگردان امام خمینی و یاران اصلی نهضت ایشان در مشهد با سخنرانی‌های پرشور و آتشین خود به ویژه در مسجد فیل از خیانت و جنایت‌ها و نیز سانسور گسترده و فریب مردم در انتخابات و تصویب قوانین پرده بر داشته و هیجان وصف‌ناپذیر و کم سابقه‌ای در مردم مشهد به وجود آورد.

- شکسته شدن ابهت رژیم پهلوی و جرأت انتقاد و اعتراض

بیشتر

واقعه مسجد فیل که با فاصله کمی بعد از قیام پانزده خرداد اتفاق افتاد سبب شکسته شدن هر چه بیشتر ابهت رژیم و در نتیجه جرأت بیشتر مردم در انتقاد از شاه و دولت شد. وقتی علما و روحانیون مستقیم از شخص شاه انتقاد و بازخواست کردند، مردم نیز به پیروی از رهبران دینی خود شاه را عامل مشکلات جامعه دانسته و با پایداری و ایستادگی در مواردی وی را به تسلیم واداشتند، مانند ترس از کشتن امام خمینی و برخی علما در پانزده خرداد و یا آزادی هاشمی نژاد با وجود حکم اعدامی که برای وی درخواست شده بود.

- تعریف رویکرد و هدف جدید برای مبارزه

پیش از این هیچ گاه شخص شاه و دولت مورد انتقاد نبود؛ اما پس از قیام پانزده خرداد و نیز در واقعه مسجد فیل به صراحت از تغییر

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The historical event of the Fīl Mosque in Mashhad in October 1963 represents one of the crucial turning points in the early trajectory of the Islamic Revolution in Iran. This incident occurred only four months after the uprising of June 5, 1963, and stands as an extension of that nationwide movement in defense of religious freedom, political justice, and clerical autonomy. The research adopts a descriptive-analytical approach, drawing primarily on official documents from SAVAK (the Shah's secret police) to reconstruct the causes, circumstances, and outcomes of this pivotal episode. Prior to the Fīl Mosque tragedy, the Pahlavi regime had already demonstrated a deepening hostility toward religious leaders through policies like the White Revolution and the enforcement of the "Provincial and District Councils Law," which contravened Islamic principles. The crackdown on Qom's Feyziyeh Seminary earlier that year further exacerbated tensions between the regime and the clerical community, igniting an atmosphere of rebellion across religious cities such as Mashhad ([Ministry of Information Center for Historical Documents Review, 1999](#)). In this climate, the mosque became a symbolic epicenter for defiance against secular authoritarianism. The sermons of revolutionary clerics, particularly those of Hāshimi-Nejad—an outspoken disciple of Imam Khomeini—acted as catalysts for mobilizing public sentiment. His fiery denunciations of government corruption, his insistence on the inseparability of religion and politics, and his critique of the Pahlavi elite's allegiance to foreign interests transformed the mosque from a site of worship into a locus of

– ترس از بیداری و شورش مردم با افشاگری و رهبری علما، رژیم پهلوی را به تسلیم واداشت و ابهت پوشالی آن شکست و در نتیجه جرأت انتقاد و اعتراض و نیز انگیزه ادامه مبارزه در مردم بیشتر شد. – برای مبارزه رویکرد و هدف جدیدی تعریف شد و از آن پس به جای درخواست اصلاحات، به صراحت سخن از تغییر دولت به میان آمد.

political awakening. Through detailed archival examination, the study situates the Fīl Mosque uprising within a larger ideological continuum that sought to restore Islamic values to Iran's political sphere and challenge the legitimacy of monarchical rule.

The analysis of Mashhad's political conditions during 1963 reveals a volatile intersection of religious activism and political repression. As the government moved to suppress Ashura processions and restrict clerical preaching, prominent religious leaders such as Ayatollah Milani, Ayatollah Qomi, and Hāshimi-Nejad emerged as key figures in articulating dissent ([Davani, 1981](#); [Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 2007](#)). Despite threats and surveillance, Hāshimi-Nejad's speeches in Tehran's Marvi Mosque—where he condemned the Feyziyeh massacre and the anti-Islamic legislation—ignited widespread outrage ([Foulādẓādeh, 1990](#)). These speeches framed the resistance not merely as a political struggle but as a sacred duty rooted in Islamic jurisprudence. He argued that the clergy, empowered by the Supplement to the Constitution, were legally and religiously obligated to oppose tyranny and corruption. The authorities' response was swift: Hāshimi-Nejad was arrested in the early hours of June 5, 1963, and imprisoned for forty-five days under accusations of inciting rebellion. Yet, rather than silencing him, imprisonment elevated his stature among the people as a symbol of integrity and steadfastness. His release in July 1963, followed by his subsequent arrest only months later during the Fīl Mosque events, illustrated the regime's anxiety over clerical influence. This

sequence of arrests reflected not only state insecurity but also the failure of coercion to suppress a growing network of religious mobilization linking Mashhad to Tehran and Qom. The Fīl Mosque uprising thus became both a continuation of and a response to the government's escalating assault on Iran's religious conscience.

The second phase of the study reconstructs the night of the Fīl Mosque tragedy through an extensive review of SAVAK reports and eyewitness testimonies. The Fīl Mosque, a modest structure in the old quarter of Mashhad, had previously held little political significance; yet, by October 1963, it became the site of a dramatic confrontation between state forces and an impassioned populace ([Rahnama, 2012](#)). Invited to deliver a three-night series of sermons, Hāshimi-Nejad used the pulpit to deliver blistering critiques of the government's illegitimacy, the dependence of parliament on royal appointments, and the subjugation of national sovereignty to foreign powers. Drawing on quotations from Western intellectuals such as Goethe and Bernard Shaw, he emphasized Islam's intellectual superiority and condemned the state's Westernization projects as antithetical to both Iran's identity and divine law. His insistence that unveiling and secular reforms violated the first article of the constitution provoked particular fury among officials. On the second night of his sermon, the authorities moved to arrest him publicly, hoping to humiliate him before his supporters. However, when agents entered the mosque to apprehend him, chaos erupted. Eyewitness accounts describe the moment when Hāshimi-Nejad, refusing to flee, urged his audience to disperse peacefully. Yet, as police forcibly removed him from the mosque, the crowd attacked the patrol car with stones and barricaded the street with bicycles, resulting in a violent clash ([Habibian Foundation; Ministry of Information Center for Historical Documents Review, 1998](#)). The confrontation escalated rapidly, with police opening fire and several citizens being killed or wounded. The SAVAK's internal correspondence later revealed uncertainty about casualty numbers

and an attempt to conceal the extent of the violence ([Rouhani](#)). Nevertheless, evidence indicates that at least two were killed—Mehdi Yousefi and Hossein Pourkafash—and several others seriously injured. In later years, the site of the killings became a symbol of martyrdom, commemorated by local residents as “The Martyrs of the Fīl Mosque” ([Hāshemīnejād, 1996](#)).

The third analytical dimension of the study focuses on the extensive aftermath of the mosque event. The arrest of Hāshimi-Nejad and the subsequent deaths triggered widespread protests and expressions of solidarity across Iran and in Najaf. Clerics and scholars issued telegrams condemning the regime's brutality, including a particularly influential one from Ayatollah Abu al-Qasim al-Khoei, who urged Ayatollah Milani to mobilize efforts for Hāshimi-Nejad's release ([Jalali, 2000](#)). Similar messages of support arrived from seminaries in Qom, Isfahan, and Tabriz, and numerous mosques declared mourning ceremonies in defiance of state prohibitions. Civil organizations—such as the Islamic Philanthropists' Association and the Society for the Propagation of Islam—joined merchants, students, and ordinary citizens in demanding accountability. These demonstrations not only underscored the national reach of Mashhad's tragedy but also reinforced the idea that the clerical network could mobilize collective action despite state censorship. As the regime struggled to contain public outrage, it faced a paradox: every attempt to suppress religious dissent only deepened its moral and political isolation. In the trial that followed, Hāshimi-Nejad's articulate defense—grounded in constitutional and religious reasoning—exposed the contradictions of the Pahlavi state's claim to legality. He denied any incitement to violence, asserting instead that his call for lawful criticism was consistent with democratic principles publicly endorsed by the Shah himself. Ultimately, despite the prosecutor's demand for the death penalty, the court sentenced him to two months' imprisonment—a verdict widely interpreted as a victory for the revolutionary movement and a sign

of the regime's retreat in the face of clerical and public pressure.

The study also examines the internal communications within SAVAK following the incident, which reveal an uncharacteristic admission of fault. Classified reports acknowledged that the crisis had been exacerbated by the "carelessness and lack of foresight" of the police forces and by their decision to arrest a popular preacher during a public sermon. To mitigate the damage, the regime attempted to distribute secret compensations to victims' families while simultaneously imposing stricter surveillance on religious gatherings. The paradoxical combination of appeasement and repression—relocating police officials, while appointing harsher successors—illustrates the deep confusion within the state apparatus. The mosque event also exposed the fragility of the regime's authority in peripheral regions: local officers underestimated the depth of religious loyalty and over-relied on coercive measures, which backfired catastrophically. In the broader perspective of revolutionary sociology, the Fīl Mosque episode exemplifies how localized acts of resistance can disrupt the symbolic foundations of an authoritarian system. Once the illusion of invincibility is broken, as it was after the shooting in Mashhad, the process of political delegitimization accelerates irreversibly. The uprising thus served as a moral and emotional rehearsal for the larger nationwide mobilization that would culminate in 1979.

The final analytical section of the paper interprets the Fīl Mosque incident as both a catalyst and a mirror of Iran's revolutionary transformation. The event established several precedents that reverberated throughout the 1960s and 1970s: the unification of religious leaders in Mashhad and Tehran, the elevation of clerical authority as the primary vehicle of political opposition, and the rise of public awareness about constitutional and Islamic rights. By linking the local struggle in Mashhad to the broader narrative of the June 5 uprising, the mosque event preserved the continuity

of revolutionary memory. It demonstrated that the revolution was not a spontaneous eruption in 1979 but a cumulative process sustained by recurring acts of defiance. The people's willingness to confront armed forces, defend their preachers, and honor their martyrs revealed the emergence of a collective identity that fused faith with political agency. Moreover, the incident marked a discursive shift in the revolutionary rhetoric: demands for reform gave way to explicit calls for regime change. When clerics such as Hāshimi-Nejad publicly declared that the monarchy itself—not merely its policies—was the root of injustice, the ideological foundation for overthrowing the system was laid. In retrospect, the Fīl Mosque stands as both a shrine of martyrdom and a cradle of revolution, where the seeds of the Islamic Republic were first sown through the blood and sermons of Mashhad's faithful.

In conclusion, the comprehensive analysis of the Fīl Mosque event underscores its profound historical and symbolic significance in shaping Iran's revolutionary trajectory. It revitalized the spirit of the June 5 uprising, strengthened the solidarity between religious scholars and the populace, and shattered the myth of the Pahlavi regime's invincibility. By reinterpreting the episode through authenticated archival sources and eyewitness narratives, this study highlights how a single night of resistance in a modest mosque transformed into a defining episode of national awakening. The Fīl Mosque incident did not merely reflect opposition to tyranny—it embodied the transition from a demand for reform to a revolutionary call for systemic change.

References

- Davani, A. (1981). *Nahdat-e Rūhāniyūn-e Īrān (The Movement of Iran's Clergy)* (Vol. 11 vols.). Imam Reza (a.s.) Cultural Foundation.
- Foulādžādeh, A. (1990). *Shāhanshāhī-ye Pahlavī dar Īrān (The Pahlavi Monarchy in Iran)*. Kanun-e Nashr-e Andīshehā-ye Eslāmī.
- Habilian Foundation. Javānmard-e Fādel (Noble Youth) Special Issue. *Habilian Foundation*(391).

- Hāshemīnejād, A. (1996). *Faryādgār-e Shahr-e Shahādat (The Cryer of the City of Martyrdom)*. Published by the Author.
- Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (2007). *Sīr-e Mobārezāt-e Imām Khomeinī dar Āyīneh-ye Asnād be Rivāyat-e Asnād-e SĀVĀK (The Course of Imam Khomeini's Struggles in the Mirror of Documents: According to SAVAK Documents)* (Vol. 16 vols.).
- Jalali, G. (2000). *Mashhad dar Bāmdād-e Nahdat-e Imām Khomeinī (Mashhad at the Dawn of Imam Khomeini's Movement)*. Center for the Documents of the Islamic Revolution.
- Karbāschi, G. (1992). *Haft Hezār Rūz-e Tārīkh-e Īrān va Enqelāb-e Eslāmī (Seven Thousand Days of Iranian History and the Islamic Revolution)* (Vol. 2 vols.). Islamic Revolution History Foundation.
- Ministry of Information Center for Historical Documents Review. (1998). *Yārān-e Imām be Rivāyat-e Asnād-e SĀVĀK: Ketāb 5 "Shahīd Hujjat al-Islām Sayyid 'Abd al-Karīm Hāshemīnejād" (The Companions of the Imam According to SAVAK Documents: Book 5 "Martyr Hujjat al-Islam Sayyid Abd al-Karim Hasheminejad")*.
- Ministry of Information Center for Historical Documents Review. (1999). *Qiyām-e Pānzdah-e Khordād be Rivāyat-e Asnād-e SĀVĀK (The 15 Khordad Uprising According to SAVAK Documents)* (Vol. 9 vols.).
- Rahnama, M. R. (2012). *Shenāsāyi va Wajh-e Tasmiyeh-ye Ma'āber, Maḥallāt va Amāken-e 'Omūmī-ye Bāft-e Qadīm-e Shahr-e Mashhad (Identification and Naming of Thoroughfares, Neighborhoods, and Public Places in the Old Texture of Mashhad City)*. Sokhan Gostar.
- Rouhani, M. A. Interview available in the Oral History Archive of the Astan Quds Razavi Center.